

## پیامدهای امنیتی و اجتماعی بلایای کشاورزی در جامعه ایران عهد ناصری

رضا عبادی جامخانه<sup>1</sup>، پیمان حسنیپور آزاد<sup>2</sup>، خدیجه نوروزی<sup>3</sup>

تاریخ دریافت: 1398/12/21

تاریخ پذیرش: 1399/02/27

از صفحه 55 تا 62

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ انتظامی

سال هفتم، شماره بیست و چهارم، بهار 1399

### چکیده

آفات کشاورزی به گیاهان یا جاندارانی گفته می‌شود که با ازدیاد آن‌ها در مزرعه و استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از محصول، باعث کاهش کمی یا کیفی محصول شده و رابطه مستقیمی با مقوله امنیت اقتصادی - اجتماعی در طول تاریخ حیات جامعه ایران به‌ویژه در عصر ناصری داشته است. این مقاله بر اساس روش تاریخی از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و به بررسی موضوع زندگی عامه مردم و ارتباط آن با بلایای کشاورزی پرداخته است. هدف این پژوهش پیامدهای امنیتی و اجتماعی بلایای کشاورزی در جامعه ایران عهد ناصری با اتکا به اسناد و منابع عصر قاجاریه است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بیماری‌ها و آفات کشاورزی از قبیل: ملخ‌زدگی، سن گندم و کرم ابریشم با مؤلفه‌های ناامنی چون: تداوم قحطی‌ها، بسیاری از نابسامانی‌ها، قاجاق و گرانی مواد غذایی، رشد انواع فقر اجتماعی و فرهنگی و معیشتی، کمبود نان، شیوع بیماری‌های وبا و طاعون، افزایش واردات کالا از اروپا، گسترش اختلافات ارضی و آبی میان روستاییان، مهاجرت روستاییان و ترک محل زندگی رابطه مستقیم و تأثیرگذاری داشته است.

### کلید واژه‌ها

حیات اجتماعی، کشاورزان، ایران، قاجار، آفات گیاهی، ناامنی.

1 - دانش آموخته دوره دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول) پست الکترونیک: masood\_koochooloo2006@yahoo.com

2 - کارشناسی ارشد حقوق، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی -

3 - کارشناس حرفه و فن و دبیر آموزش و پرورش شهرستان نکا

## مقدمه

ایران در آستانه قرن دوازده هجری/نوزدهم میلادی، به دلیل فشارهای مختلف از جمله نفوذ استعمارگران، جنگ‌ها، ورشکستگی اقتصادی، بیکاری و فقر عمومی، مرگ‌ومیر فردی و گروهی، با ناامنی‌ها و بحران‌های متعددی مواجه شده بود. در دوره قاجاریه، جامعه روستایی یا طبقه کشاورز، اعم از ده‌نشینان و چادرنشینان، در حدود هفتاد درصد جمعیت ایران را تشکیل داده و این افشار مهم‌ترین و مشخص‌ترین قشر مولد ثروت کشور بودند و تحت مالکیت اربابان، مالکان، وابستگان درباری و حاکمان محلی به امر زراعت پرداخته و در طول حیات اقتصادی و اجتماعی با مسئله آفات محصولات کشاورزی توأم با ناامنی، قحطی و خشک‌سالی روبه‌رو می‌شدند. رشد کشاورزی در حیات اجتماعی جوامع، امنیت اجتماعی و اقتصادی از عناصر تداوم و بقای جامعه بوده و عدم امنیت و رکود کشاورزی، علاوه بر ایجاد تشویش روحی- روانی در افراد، ثبات اجتماعی را مختل و فعالیت‌های معیشتی- اقتصادی و تولیدی جامعه را از رونق می‌انداخت.

آفات و بلایای کشاورزی به گیاهان یا جانورانی گفته می‌شود که با ازدیاد آن‌ها در مزرعه و استفاده مستقیم یا غیرمستقیم از محصول، باعث کاهش کمی یا کیفی محصول شده و رابطه مستقیمی با مقوله امنیت اقتصادی، در طول تاریخ حیات اجتماعی جامعه ایران به‌ویژه در عصر ناصری داشته است. نمونه آفات و بیماری‌ها، آفت‌های برخی جانداران و مهره‌داران مانند خزندگان و موش‌های صحرایی، گراز و خرگوش، پرندگان مانند سار و گنجشک، بعضی حشرات مانند ملخ و کرم ساقه‌خوار برنج است (عبداللهی، 1383: 41).

در گزارش‌های وقایع اتفاقیه پیرامون ملخ‌زدگی بیان شده: «دیگر آنکه به‌واسطه ملخ خواری و آفت زردی که به حاصل‌ها رسیده روزبه‌روز نرخ اجناس تسعیرش زیادت‌ر می‌شود، در اغلب از بلوکات بذر گندم و جو ندارند، باعث [گرانی] گندم و جو هم از این جهت است» (وقایع اتفاقیه، 1363: 385).

روش پژوهش در این مقاله تحلیلی-توصیفی است که با توجه به موضوع پژوهش و به‌منظور توصیف کیفی محتوای مفاهیم، تجزیه و تحلیل، توصیف داده‌ها و طبقه‌بندی اطلاعات که بررسی جامعه ایران عهد ناصری می‌باشد، شیوه‌ای مناسب به نظر می‌رسد.

استخراج اطلاعات و داده‌ها از منابع شامل: کتب، رسالات، پژوهش‌ها، مقالات و روزنامه‌های دوره قاجاریه، به‌ویژه اسناد، سفرنامه‌ها، منابع کلاسیک دوره قاجاریه در خصوص تاریخ اجتماعی - معیشتی و مجموعه گزارش‌های مأموران سیاسی و نظامی انگلیسی در مناطق مختلف ایران می باشد.

### هدف پژوهش

حوادث و بلایای طبیعی به‌ویژه آفات کشاورزی و بیماری‌ها، از پدیده‌های مهم حیات تاریخ امنیتی - اجتماعی روستایی محسوب شده و در گذر زمان بارها اتفاق افتاده و پیامدهای ناگوار امنیتی و اقتصادی در روستاها به دنبال داشته است. این نوشتار بر آن است تا ضمن واکاوی شرایط اجتماعی عصر ناصری، برای تحلیل اوضاع تاریخ انتظامی، اجتماعی و اقتصادی روستاهای ایران این عصر، نگاهی به لایه‌های درونی و زیرین اجتماع و طبقه فرودستان بیان‌دازد و شاخصه‌های معیشتی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی آن را نمایان سازد.

### پرسش پژوهش

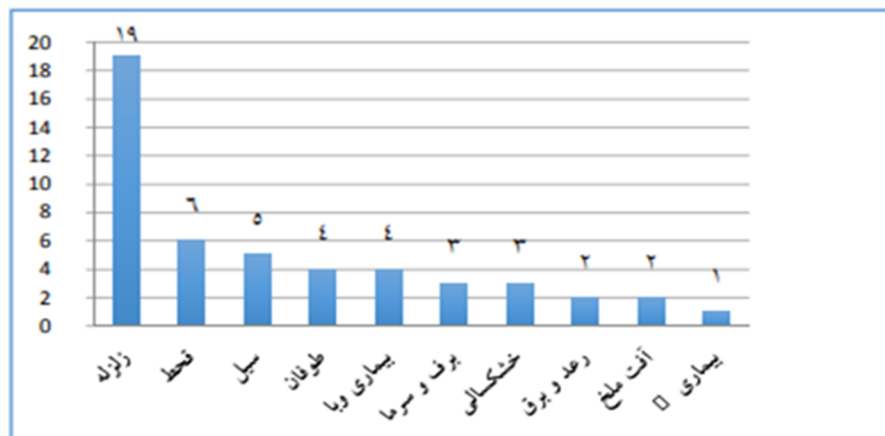
آیا بلایای کشاورزی و آفات گیاهی با ناامنی‌ها، بحران‌های اجتماعی و نحوه معیشت و شیوه زندگی جامعه عصر ناصری رابطه داشته است؟

### فرضیه پژوهش

مسائل انتظامی و اجتماعی، بیماری‌ها و آفات کشاورزی از قبیل ملخ‌زدگی، سن گندم و کرم ابریشم با مؤلفه‌های ناامنی چون: تداوم قحطی‌ها، بسیاری از نابسامانی‌ها، قاجاق و گرانی مواد غذایی، رشد انواع فقر اجتماعی، کمبود نان، شیوع بیماری‌های وبا و طاعون، افزایش واردات کالا از اروپا، گسترش اختلافات ارضی و آبی میان روستاییان رابطه مستقیم و تأثیرگذاری دارد.

## پیشینه پژوهش

در رابطه با پژوهش حاضر به چند نمونه از پیشینه تحقیق اشاره می‌شود: اسدی اول و همکارانش (1396) در پژوهش «حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال از ظهور اسلام تا حمله مغول» بلایای طبیعی را بر اساس نمودار زیر نشان دادند:



نمودار شماره 1: حوادث طبیعی در ایالت جبال از قرن یک الی هفتم ق (اسدی اول و دیگران، س 7، ش 2، پاییز 1396، 21)

طبق نمودار شماره یک، آفات کشاورزی و گیاهی، حوادث طبیعی، شیوع بیماری‌های دامی، شرایط جوی نامناسب، نیامدن باران و بخل طبیعت، چه در دوران قبل از اسلام و چه در دوره بعد از اسلام، همواره مشکلات عدیده‌ای مانند بی‌نظمی اجتماعی و انتظامی، شیوع بیماری‌های گیاهی، انسانی و حیوانی، درگیری‌های قومی و سایر ناامنی‌های اجتماعی، برای کشاورزان و عموم طبقات و دولت ایجاد می‌کرده است.

کتابی (1390) در تحقیق «درآمدی بر بررسی علل اجتماعی قحطی‌ها در ایران» به بررسی رابطه آفات گیاهی و شیوع بیماری‌ها با گسترش ناامنی‌های اجتماعی در این دوره اشاره نمود.

الفتی (1374)، در تحقیقش انواع بیماری‌های دامی در روستاها که پیرامون تاریخ انتظامی و اجتماعی نمود داشته را طبق نمودار زیر نشان داد:



نمودار شماره 2: انواع بیماری های دامی رایج در تاریخ دامپزشکی (الفتی، 1374: 683-675)

سیف (1373) گرانی کالاهای اساسی در عصر ناصری را در زمان شیوع آفات گیاهی توأم با خشک سالی 1277 ق. چنین شرح می دهد: قیمت کالاهای اساسی در مقایسه با سال های قبل از وقوع قحطی چندین برابر شده است. با این حساب، درآمد کارگر یا کشاورز فقط یک دهم گندم مورد نیاز را برای گذراندن یک ساله خانوار کفایت می کرد. افزایش قیمت ها تنها به تهران محدود نبود، بلکه اکثر نقاط ایران در خلال خشک سالی با گرانی شدید روبه رو می شدند. برای مثال شهرهای مازندران و ساری که قیمت گندم به 13 برابر قیمت معمول رسید؛ یعنی، از خرواری 3 قران به 40 قران رسید (سیف، 1373: 253).

#### عوامل و پیامدهای امنیتی و اجتماعی بلایای کشاورزی در جامعه عهد ناصری

به علل مختلف مانند خشک سالی و جنگ های بزرگ ممکن است در کشورها قحطی رخ دهد؛ اما در کنار تمام بلایای طبیعی، در عصر ناصری، عوامل چندی بروز قحطی و مرگومیر را تشدید می نمود و نمونه بارز شیوع آفات کشاورزی با قدرت ویرانگری و وسعت گسترده جغرافیایی طبق موارد زیر همراه بوده است:

1- بیماری ملخ زدگی، سن گندم و کرم ابریشم: در رد پای سوابق تاریخی و نیز از منظر اهمیت امنیت اقتصادی، دو آفت ملخ خوارگی و سن گندم در مملکت ما همیشه

مطرح بوده و قدیمی‌ترین نوشته‌ها از خسارت‌های جدی این دو که گاه در مناطقی در حد قحطی می‌رسیده در دست است.

خشکیده باد بال و پر سن که هیچ‌گاه در ملک فارس کس نشنیدی گدای کاه

این شعر که منسوب به محمد رفیع مروودشتی در حدود یک‌صد سال پیش می‌باشد، نشان از خسارت سن در مزارع گندم می‌دهد، به نحوی که گاهی حتی کاه نیز برداشت نشده است. گسترش و طغیان سن گندم<sup>1</sup> را در ایران می‌توان مثال خوبی برای گسترش و طغیان حشرات در اثر دخالت انسان در محیط طبیعی ذکر کرد.

در گذشته‌های دور، محیط اصلی و محل دائمی زندگی سن گندم، دامنه‌های نواحی کوهستانی زاگرس و البرز بوده و پوشش گیاهی این مناطق را گرامینه‌های وحشی تشکیل می‌داده که میزبان اصلی این حشره به شمار می‌رفته است. انتشار سن گندم در ایران به سه عامل اصلی زیر بستگی داشت: 1- وجود منابع غذایی 2- وجود اماکن مناسب جهت دوره طولانی دیاپوز 3- وجود شرایط اقلیمی مناسب جهت فعالیت آفت (رجبی، 1379: 56). این آفت موجب خشک شدن ساقه گندم و مانع دانه‌بندی آن شده و با تخم‌ریزی در زیر برگ و دسته گندم، جمعیت خود را افزایش می‌داد (کردوانی، 1380: 112).

از دیگر موارد قحطی و خشک‌سالی در این دوره مسئله ملخ‌خوارگی بوده که به‌طور ناگهانی مزارع و محصولات را مورد تهاجم قرار می‌داد. خطرناک‌ترین نوع آن حمله ملخ‌های دریایی بوده و موطن اصلی آنها شمال آفریقا می‌باشد. این ملخ چون حیوانات درنده و خونخوار تمام محصولات را خورده و پاک‌سازی می‌نمود و به اصطلاح کشاورزان «خاک تراش» می‌کرد (همان: 111). در وقایع اتفاقیه پیرامون خسارات وارده ناشی از بارش تگرگ و هجوم ملخ‌ها آمده: «دیگر آنکه در شب پنجشنبه بیست و پنجم شهر شوال، تگرگ به اندازه گردوی بزرگی به قدر سه چهار دقیقه بارید که حاصل تریاک را بعضی خراب کرده، خداوند هر قسم آفت در فارس نازل کرده، ملخ هم در تمام بلوکات به شدتی بیرون آمده است که از کشتن هم چاره نمی‌شود محصولات را خورده و می‌خورد، مگر خداوند خودش رحم نماید» (وقایع اتفاقیه، 1363: 502). اینک نمونه‌ای

1 - *Eurygaster integriceps*

از تأثیر آفت‌های کشاورزی به‌ویژه ملخ‌زدگی و سن گندم بر زندگی انتظامی - اجتماعی روستاییان بر اساس «گزارشات وقایع اتفاقیه» که توسط مأموران خفیه انگلیس در شیراز عصر ناصری نگاشته شده، اشاره می‌شود: «دیگر آن که ملخ از نزدیکی بندرعباس اتصالاً در بلوکات فارس هست تا دلگشا و سعدی - خداوند رحم کند - خیلی بد سالی است. در خفرک و مرودشت هم سن بسیار بیرون آمده، الآن در شیراز هم گندم یک من تبریز، هفده شاهی است و نان را یک من نهصد دینار می‌فروشند. جو سیصد دینار الی دو عباسی است، تمام اجناس ترقی کرده است. باران یک ماه است که به‌کلی در شیراز نیامده، اگر آمده قطره‌قطره بوده است که ثمری نبخشیده ولی هر روزه باد و ابر و طوفان است» (وقایع اتفاقیه، 1363: 400).

یکی دیگر از آفات کشاورزی در این دوره شیوع بیماری کرم ابریشم بوده است. در حالی که مهم‌ترین مراکز تولید و پرورش کرم ابریشم در عصر قاجار، ایالات شمالی ایران شامل گیلان، مازندران، استرآباد، خراسان، آذربایجان و نیز یزد و کاشان بود (کرزن، 1373، ج 1: 486؛ جمال‌زاده 1362: 24)، از میان این مناطق، گیلان به‌تنهایی بیش از هشتاد درصد تولید و پرورش کرم ابریشم را در اختیار داشت (تاج‌بخش، 1362: 264؛ مجله فلاح و تجارت، 1298 ق، س 2، ش 10). اوج تولید ابریشم ایران در اواخر قرن نوزدهم و در آستانه، بیماری کرم ابریشم بوده که حدود 280 هزار کیلوگرم برآورد شده است (آدمیت و ناطق، 1356: 280). در این سال‌ها، بیماری کرم ابریشم در اروپا گسترش یافت و پس از آن به ایران سرایت کرد. البته نوع بیماری در اروپا با ایران فرق داشت. این بیماری را در اروپا ماسکاردین می‌گفتند، اما در ایران پبرین گفته می‌شد که علامتش نقطه‌هایی سیاه روی بدن کرم ابریشم بود (جمال‌زاده، 1362: 25). این بیماری به پرورش تخم نوغان خسارت وارد می‌کرد و سبب شد ایران از کشورهای دیگر مانند ژاپن، عثمانی و روسیه نوغان وارد کند (عیسوی، 1369: 355-356). بیماری کرم ابریشم نخست در گیلان ظاهر شد و مردم آنجا مجبور شدند از مازندران تخم نوغان وارد کنند؛ اما وقتی بیماری در سراسر ایران گسترش یافت، شرکت رالی و برادران از سال 1869 م/ 1286 ق. کوشیدند تا از ژاپن نوغان وارد کنند (جمال‌زاده، 1362: 27). حتی پیش از وارد کردن تخم نوغان به ایران، پاستور، پزشک معروف فرانسوی، در سال

1867 م/1284 ق. اصولی را برای درمان بیماری کرم ابریشم پیشنهاد کرده بود که اگر به آن توجه می‌شد شاید این بیماری از بین می‌رفت (جمال‌زاده، 1362: 25).

## 2- گرانی و احتکار مواد غذایی و رابطه آن با بلایای کشاورزی در عصر ناصری:

احتکار کالاها و اساسی در عصر ناصری بعد از حوادث طبیعی و آفات کشاورزی در تاریخ اجتماعی روستاییان توسط اربابان و واسطه‌گران صورت می‌گرفته و موجب فقدان اعتماد و همدلی بین مردم و حاکمان به واسطه حاکمیت استبداد، بی‌کفایتی و فساد مسئولان حکومتی می‌شد (شهیدی، 1383: 178؛ اعتمادالسلطنه، 1374: 688). احتکار نقش مهمی در شدت بخشیدن به قحطی و گسترده شدن دامنه فاجعه داشت. کم‌فروشی و قاچاق مواد غذایی در اثر آفات گیاهی از دیگر مصادیق ناامنی اجتماعی بوده و بر قیمت غلات بیش‌ازپیش می‌افزود. مأموران انگلیسی در وقایع اتفاقیه می‌نویسند: «دیگر آن که گرانی در کازرون سرایت به شیراز هم کرده، اغلب اجناس گران شده و هرکدام از اجناس یک من پنج شاهی، ده شاهی افزوده شده است، بارندگی هم به اندازه شده، ولی جمیع حاصل از جو و گندم زردی زده و این آفت بدتر از ملخ است، کرم ملخ هم اطراف شیراز زیاد است و در حاصل‌ها ریخته مشغول خوردن هستند، ملخ دریایی هم خیلی آمده آنها هم کمی خرابی رسانیده‌اند» (وقایع اتفاقیه، 1363: 524).

واتسن در تاریخ خود می‌نویسد: «تمام کودکان در ایران از دوران طفولیت در معرض چنان زندگی سختی قرار می‌گیرند که افراد نحیف و مریض آنها از بین می‌روند... کودکان خردسال لباسی می‌پوشند که شکم را درست نمی‌پوشاند و به همین سبب، به نظر من، میزان مرگومیر و تلفات در میان اطفال ایرانی خیلی زیاد است و بیشتر کودکانی که از این وضع سخت جان به سلامت می‌برند با تندرستی و نیرومندی به مرحله رشد می‌رسند» (واتسن، 1368: 11). مستوفی درباره «تأثیر بیماری سن گندم بر گسترش قحطی سال 1296 ق»، در کل ایران بیان نمود: «در شش ماه آخر و فصول بارانی سال 1295 ق، به همه جهت ده دوازده ساعت بیشتر باران نیامده بود، آن‌چه از قحطی و خشکی نجات یافته بود، گرفتار این آفت شد. گندم که در بهار سال 1295 ق، خرواری بیست تومان قیمت داشته و در پاییز این سال به بیست و پنج تومان رسیده بود، در بهار 1296 ق، به سی تومان بالغ شده و هرچه نزدیک‌تر به خرمن می‌شد، گران‌تر می‌گشت» (مستوفی، 1384، ج 1: 495).



### 3- کمبود نان؛ مهم‌ترین مسئله در 47 بار بلوای عهد ناصری در طی 72 قحطی:

از دیگر پیامدهای مصیبت‌بار آفت‌های کشاورزی بر حیات اجتماعی روستاییان، کمبود نان بوده است. در طی هفتاد و دو دفعه قحطی در عصر ناصری، چهل و هفت بار بلوای نان رخ داد (رحمانیان و میرکیایی، 1392: 69). نان، خوراک اصلی مردم بود و گرانی نان، گرسنگی و ترس و دلهره بخش وسیعی از جامعه را در پی داشت. در چنین وضعیتی مردم به سرعت به افزایش قیمت‌ها واکنش نشان می‌دادند و چون نهاد ارتباطی میان مردم و حکومت وجود نداشت، تنها راه حل مشکلات نان را در اعتراض و بلوا می‌دانستند. به عبارتی یکی از مهم‌ترین بسترها و نمودهای ناامنی در عصر ناصری فقر نان در اثر تداوم قحطی‌ها و شیوع آفات گیاهی بوده و منجر به گرانی و بحران‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی گشته شده بود. کمبود غله و نان در این دوره با بسامدهایی چون: مرگ‌ومیر جمعی، کاهش منابع انسانی بر اثر مهاجرت، درخواست مردم از روس و انگلیس برای اشغال ایران در اثر گرسنگی شدید، رکود اقتصادی، ناامنی راه‌ها و احتکار گندم مواجه شده و این امر زمینه را برای فرصت‌طلبی مستشاران انگلیسی و روسی در امور داخلی ایران مهیا می‌نمود (رحمانیان و میرکیایی، 1396: 130).

در قحطی سال 1288 گویا برای اولین بار به وارد کردن آرد روسی پرداختند؛ اما در خشک‌سالی چند سال پس از آن برنج شمال را جایگزین گندم ساختند و به جای نانوائی‌ها، در محله‌های تهران دکان‌های دم‌پختک دایر شد. از این‌رو این پیشامد را «قحطی دم‌پختکی» نام نهادند. کمبود شدید غله عواقب شومی داشت: «کسانی که نان نداشتند سگ و گربه و موش و مردار هم می‌خوردند و حتی کسانی بودند که با کود و علف سد جوع می‌کردند» (بیک ارباب، 1353: 60). این وضع چنان‌که انصاری در «قحطی آدم‌خواری در 1288» می‌نویسد، در موارد زیاد به خوردن گوشت انسان انجامید (جابری انصاری، 1321: 50).

بر اساس اسناد عصر ناصری در خصوص بحران‌های اجتماعی زمان قحطی، مؤلفه‌هایی از قبیل گرانی ارزاق و غله در آذربایجان، (ساکما: 7843/295، 1298-1303 ق)، خشک‌سالی و قحطی، نابسامانی در کشاورزی، اختلافات مالی و ملکی، اوضاع نامناسب ایلات و عشایر، نامناسب بودن راه‌ها، پل‌ها و امور آشفته ایلات و ولایات ممالک محروسه (ساکما: 7496/295، 1277-1264 ق)، نمونه‌ها و مصادیقی از اسناد و

گزارش‌ها پیرامون بسترهای ناامنی ناشی از آفات کشاورزی و سایر حوادث طبیعی در این دوره بود. دربار قاجار و حکام محلی نسبت به این ناامنی‌ها، بلایا و مرگ‌ومیر عامه اقدامات خاصی انجام نمی‌دادند.

#### 4- کاهش جمعیت و نیروی انسانی در اثر مهاجرت:

عوامل سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و محیطی تأثیرگذار بر مهاجرت، در واقع زمینه‌های اصلی مسأله مهاجرت را تشکیل می‌دهند. از این میان، زمینه و انگیزه‌های اقتصادی بر مهاجرت افرادی که در یک جامعه، زندگی مشترکی دارند بر دیگر عوامل غلبه دارد. در اثر آفات کشاورزی، حوادث و بلایای طبیعی، بیشترین مناطق مهاجرفرست که در روزنامه وقایع اتفاقیه به آنان اشارت رفته عبارت‌اند از: استرآباد با 5 گزارش و سپس مازندران با 4 گزارش، اراک، اصفهان، زهاب، کرمان و هویزه هم هر کدام 2 گزارش و آذربایجان، بروجرد، بسطام، تهران، جام و باخرز، خرم‌آباد، خوارزم، خوانسار، خوی، زنجان، سرخس، شوشتر، همدان و یزد هر کدام یک گزارش از مهاجرت ساکنان قید شده است (جعفریان و دیگران، 1396: 33).

از این رو اگر وضعیت مناسب آبی و جوی برای فعالیت‌های این طبقه مهیا نمی‌شد قطعاً به امری غیر از کشاورزی می‌پرداخته و یا مهاجرت می‌کردند. مطابق گزارش‌ها، خشکسالی و سیل و طغیان ناشی از بارندگی‌های شدید، خسارت زیادی به بار می‌آورد: «آب کرخه کم شده بود، این امر مهاجرت اهالی هویزه به اطراف را به دنبال داشت» (روزنامه وقایع اتفاقیه، 25 آذر 1230: 4). گزارش‌هایی هم انتشار یافت که «به دلیل بارندگی و سیل بسیاری از رعایا از دهات خالصه [اراک] به اطراف مهاجرت کرده بودند» (روزنامه وقایع اتفاقیه، 15 خرداد 1235: 279).

جدول شماره 1: علل مهاجرت روستاییان در عصر ناصری ناشی از بلایای کشاورزی (روزنامه وقایع اتفاقیه، 1375)

ردیف	علل مهاجرت رعایا	تعداد گزارش
۱	شرایط نامناسب آب و هوایی	۹
۲	ظلم و تعدی حکام	۷
۳	شیوع بیماری ها و آفات گیاهی	۶
۴	سایر عوامل (ناامنی - بی توجهی دولت - مالیات)	۱۳
		جمع = ۳۵

جدول فوق علاوه بر شرایط نامناسب آب و هوایی با ۹ گزارش، ظلم حکام ۷ مورد و شیوع بیماری ها ۶ گزارش و سایر زمینه های مهاجرت های صورت گرفته این دوره را نشان می دهد. به نظر می رسد، طبق جدول شماره ۱، رعایا به دلیل شرایط نامناسب محیطی و عدم امکان فعالیت های کشاورزی اقدام به کوچ در مناطق شهری و غیر کشاورزی و حتی خارج از کشور نموده بودند.

جدول شماره ۲: کوچ روستاییان به مناطق مهاجرپذیر غیر کشاورزی (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۵)

ردیف	کوچ رعایا به مناطق مهاجرپذیر براساس روزنامه وقایع اتفاقیه	تعداد	درصد فراوانی
۱	مهاجرت به مقاصد نامعلوم	۲۴	۶۹
۲	هند - عثمانی	۳	۸/۵۸
۳	سایر مناطق (کالپوش - بجنورد - ناصری - استرآباد و...)	۸	۱۲/۴۲
		جمع = ۳۵	۱۰۰

آفات و قحطی سال ۱۲۸۸ ق، موجب مهاجرت بسیاری از اهالی خراسان به مرکز ایالت مشهد شده بود که خود وضعی بهتر از سایر نقاط جنوبی و مرکزی خراسان نداشت. در نتیجه مرگومیر ناشی از این قحطی، جمعیت شصت هزار نفری مشهد در ۱۲۸۴ ق تا بدان جا تقلیل یافت که چند سال طول کشید تا بار دیگر بدین تعداد برسد (حکیم الممالک، ۱۳۵۶: ۱۸۲). در حالی که باید بخشی از این داده آماری را به حساب جمعیت مهاجران سال قحطی و پس از آن گذاشت. قحط و غلا و گرانی در مشهد به گونه ای بود که افزون بر حیوانات بارکش، گربه و موش شهر نیز خورده شد. تعداد

تلفات در زمستان آن سال به حدی بود که اجساد مردگان هفته‌ها بر روی زمین می‌ماند (Smith, 1876: 361).

افزایش نرخ و قیمت گندم و تهیه بسیار سخت آن از سوی کشاورزان از دیگر پیامدهای آفت‌های زراعی عصر ناصری بوده و در این مورد به چند نمونه از گزارش‌های مأموران انگلیس در سال 1295 ق اشاره می‌شود: «دیگر آنکه تمام گندم و جو اطراف شیراز و بلوکات را سرخی زده است که اغلب جاها بذر هم عاید نخواهد شد. بیشتر به گندم سرخی زده است، بدین واسطه قیمت جو و گندم ترقی کرده است» (وقایع اتفاقیه، 1363: 263). دیگر آنکه در بعضی بلوک، سن در حاصل گندم و جو زده که خیلی خراب کرده است مخصوصاً در بلوک سیاخ خیلی خرابی به هم رسیده است. دیگر آنکه از قرار مذکور ملخ در داراب و آن صفحات پیدا شده، زردی هم به اغلب جاها به گندم زده، خلق خیلی اضطراب دارند (مستوفی، 1384، ج 1: 332).

#### 5- شیوع بیماری‌های وبا و طاعون:

در اواخر سده دوازدهم هجری/نوزدهم میلادی، در ایران قحطی‌ها به صورت ادواری تکرار شدند و ایران در سال‌های 1860-1861 م / 1239-1240 ش، 1880 م / 1259 ش و نیز دهه 1890 م / 1270 ش و اوایل دهه 1900 م / 1280 ش با قحطی روبه‌رو بوده است. «قحطی بزرگ» و فاجعه‌آمیز سال‌های 1869-1872 م / 1248-1251 ش، مرگ نیم تا یک‌ونیم میلیون از جمعیت 9 تا 10 میلیونی ایران را به همراه داشت. قحطی‌های بعدی به آن شدت نبودند، اما به هر حال جان انسان‌ها را می‌گرفتند. یک گرایش جمعیتی دیگر نیز در اینجا شایان ذکر است. با استفاده از برآوردهای ضدونقیض و کاملاً متفاوت در مورد درصد جمعیتی که در هر بخش عمده اقتصادی فعالیت داشت. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که جمعیت شهری در فاصله 1800-1914 م / 1293-1179 ش دو برابر شده است، یعنی از 10 درصد به 25 درصد کل جمعیت رسیده است. در حالی که درصد جمعیت ایلی به کل جمعیت کاهش یافته و شاید از 50 درصد در سال 1800 م / 1179 ش به 33 درصد در سال 1850 م / 1229 ش و 25 درصد در 1914 م / 1293 ش رسیده است. به نظر می‌رسد بخش فعالیت کشاورزی روستایی-یکجانشینی طی این مدت ثابت مانده است (فوران، 1390: 186).

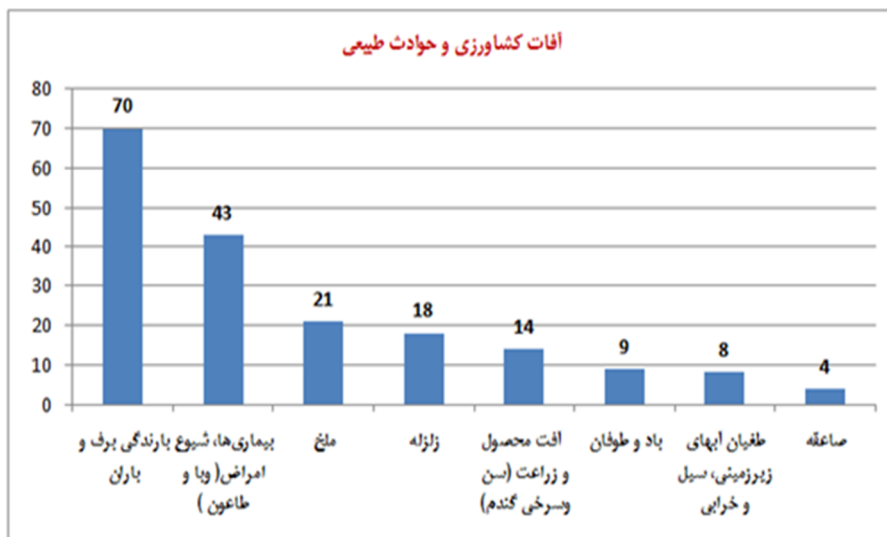
رشد و شیوع بیماری‌های وبا و طاعون از جمله پیامدهای آفات گیاهی در دوره ناصری بوده که منجر به مرگومیر جمعی می‌شد. به عبارتی یکی از بسترهای اصلی ناامنی اجتماعی دوره قاجار گسترش و انتشار بیماری وبا بوده است. اعتمادالسلطنه اولین شیوع بیماری وبا را در سال‌های 1211 و 1221 ق، در آذربایجان و ایروان گزارش داده است (اعتمادالسلطنه، 1294: ج 1، 529-531). وی اشاره به مرگومیر حدود ده‌هزار نفر در طی چهل روز در دارالخلافه دارد (اعتمادالسلطنه، 1347، ج 3: 1598). بر اساس شواهد و اسناد موجود از پیامدهای بیماری وبا، شورش، غارتگری، بروز بحران‌های اجتماعی، کاهش شدید منابع انسانی و توسعه فقر بود (ساکما: 295/7295، 1245-1248 ق).

با بررسی اسناد فوق، می‌توان گفت حاکمان محلی در گسترش این بیماری نقش عمده‌ای داشتند و از انجام هرگونه اقدامات جهت رفع بیماری به دلیل هزینه زیاد خودداری می‌نمودند. آنان با فریبکاری، نقض حقوق انسانی و عدم ارسال خبر شیوع بیماری وبا به مناطق و دربار، بی‌توجهی به ذخیره مواد غذایی جهت کمک به مردم (ناطق، 1358: 25) موجب مرگومیر میلیون‌ها ایرانی در عصر قاجار شدند. دیگر آنکه گماردن شاهزادگان قاجاری به حکومت ایالات، موجب حذف حاکمان بومی از مصدر ولایات شد و این مسئله سبب تداوم شورش‌هایی در این دوره شد. 169 مورد شورش و جنگ محلی و ناامنی انتظامی در 50 سال حکومت ناصرالدین‌شاه گزارش شده است (فوران، 1390: 238). تاخت‌وتاز سواران ترکمن در نیشابور و جام، وقوع هرج‌ومرج در یزد (ساکما: 1249، 8024/295 - 1265 ق) و شورش اورامان به دلیل فشار مالیاتی و ضعف حاکمان محلی در اردلان (ساکما: ۱۲۸۶، ۲۲۲۴، ۲۹۵۰۰۲۲۲۴)، نمونه‌هایی از شورش‌های محلی است که موجب تداوم ناامنی در جامعه روستایی شده بود. شیوع بیماری‌ها و آفات گیاهی، بحران‌ها و ناامنی‌های انتظامی - اجتماعی دیگری چون: ناامنی راه‌ها، قتل، راهزنی، جنگ‌های قبیله‌ای بر سر آب و زمین‌های زراعی، درگیری و منازعه برون‌مرزی، رابطه مستقیمی با شیوع آفت کشاورزی داشته است.

#### 6- بلایای کشاورزی و رابطه آن با نابودی سرمایه‌های اقتصادی:

سرمایه‌های اقتصادی زندگی مردم این دوره، بیشتر با دامداری و کشاورزی پیوند می‌خورد و حیواناتی مانند گاو و گوسفند و محصولات کشاورزی از باارزش‌ترین سرمایه‌های اقتصادی آنها برای گذران زندگی و امور مطلوب حیات اجتماعی - انتظامی محسوب

می‌شد. در سال 1303 ق، آفت سن و سرخی گندم بسیاری از محصولات را نابود و منجر به احتکار و افزایش نرخ غلات شده بود. در گزارش‌های مأموران خفیه انگلیس آمده: «دیگر آنکه تمام گندم و جو اطراف شیراز و بلوکات را سرخی زده است که اغلبی از جاها بذر هم عاید نخواهد شد، بیشتر به گندم سرخی زده است بدین واسطه قیمت جو و گندم ترقی کرده است» (وقایع اتفاقیه، 1363: 263). بر اساس مستندات عصر ناصری، بیشترین افزایش قیمت در تهیه غلات اتفاق می‌افتاد و گزارش شده که به چند برابر قیمت مخصوصاً در زمان قحطی فروخته می‌شد. نمونه‌ای از این قبیل اسناد عبارتند از: گزارشی از گرسنگی و تلف شدن فقرای ولایات اطراف کرمانشاهان و هجوم آنها به ولایت مزبور، مخروبه شدن مزارع خالصه کرمانشاهان (ساکما: 7486/295، 1274-1280 ق).



نمودار شماره 3: مؤلفه‌های رشد نامنی و نابودی سرمایه اجتماعی در ایالت فارس دوره ناصری (وقایع اتفاقیه، 1363)

مطابق نمودار شماره 3، میزان فراوانی، بارندگی‌های برف و باران 70 و شیوع بیماری‌ها 43، ملخ‌زدگی 21 و سایر آفات کشاورزی 32 مورد بیشترین فراوانی جامعه آماری در زمینه نابودی سرمایه‌های اقتصادی و زمین‌های زراعی و رشد نامنی اجتماعی و انتظامی گزارش شده‌اند.

### 7- رابطه بلایای طبیعی با گسترش انواع فقر در عهد ناصری

فقر، به معنی مطلق کلمه یعنی عدم بهره‌مندی از حداقل نیازهای اساسی زندگی در زمینه‌های مختلفی نظیر تغذیه، آموزش، بهداشت، اشتغال است. فقر به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اجتماعی در لغت به معنی «فرو بردن حادثه بر کسی و شکستن مهره‌های پشت او، نداری و بی‌چیزی، نداشتن مایحتاج و...» آمده است (دهخدا، 1373: لغت‌نامه، ذیل فقر). فقر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مسکن شدید و مستمر، زمینه انحرافات اخلاقی و رفتاری‌های اجتماعی - فرهنگی را در عصر ناصری فراهم می‌نمود. فقر موجود در این دوره توانسته بود موجب رشد بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل ناامنی، مرگ اجتماعی، بحران‌های متعدد، دخالت بیگانگان، ورشکستگی، تبعیض، بی‌عدالتی، بی‌کفایتی طبقه حاکم، توزیع ناعادلانه ثروت و سرمایه، جهل و ترس مردم در جامعه باشد؛ بنابراین از دیگر موارد مهم پیامدهای آفات گیاهی در این دوره، می‌توان به گسترش فقر و گرسنگی در اکثر مناطق روستایی ایران اشاره نمود که منجر به افت و رکود اقتصادی و کاهش منابع انسانی شد. رابینو می‌نویسد: از جمعیت چهل‌هزار نفری شهر رشت، هشت هزار نفر تلف شده بودند (رابینو، 1350: 551).

فقر بهداشتی و نبود سلامتی عمومی و شیوع بیماری‌ها در اثر گسترش وبا و طاعون منجر شد تا فقر بهداشتی به عنوان یکی از مؤلفه‌های بارز ناامنی اجتماعی در این دوره نمود یابد. یکشنبه 23 رمضان 1292 ه.ق «... سمت شرق ایزده این خرابه‌ها واقع شد، ایزده خیلی آباد بود، طاعون چهل سالی است که خیلی خراب کرده که هنوز آباد نشده است...» (اعتمادالسلطنه، 1389: 32). رابینو در مورد فقر بهداشتی و غذای ناسالم مردم مازندران و گیلان می‌نویسد: «در نظر مردم گیلان و مازندران، نان غذای ناسالمی محسوب می‌شود. غذای اصلی آنها عبارت است از چلو و شاید اگر در غذا رعایت امور بهداشتی را می‌کردند، کمتر از تب رنج می‌بردند» (رابینو، 1350: 19).

### 8- افزایش و گرایش به مصرف تریاک در جامعه روستایی:

از دیگر مباحث مورد مطالعه پیرامون مشکلات ناشی از آفات کشاورزی، گرایش روستاییان به مصرف تریاک و اعتیاد بوده تا از این طریق قدری از آلام و دردهایشان را تسکین دهند، بلوشر که در اواخر دوره قاجاریه در ایران حضور داشته است، رواج تریاک

در بین مردم را به علت مشکلات ناشی از بلایای کشاورزی می‌داند و می‌نویسد: «زندگی مردم تنگدست، به خصوص دهقانان و رعایا در آن کلبه‌های خشت و گلی ابتدائی، خالی از هر تنوع و جاذبه است. چون اینان نمی‌توانند عملاً و واقعاً زندگی خود را بهبود بخشند، می‌کوشند که آن را در عالم خیال به صورت دلخواه درآورند. این توهم و خیال هم چیزی است که با توسل به مواد مخدر فراهم می‌آید. بدیهی است که در کنار این مردم، گروه دیگری نیز هستند که برای دستیابی به لذت بیشتر و بیشتر به [مواد] مخدر پناه می‌برند» (بلوشر، 1360: 289). اسمیت در مورد چرایی روی آوردن روستاییان به تریاک، می‌نویسد: «روستاییان بدون کوچک‌ترین دلیل با مشکلات و مشقات زندگی خو گرفته و نسبت به آنها بی‌تفاوت شده‌اند. اگر هم راضی نباشند سعی می‌کنند با نشئه تریاک به مشکلات زندگی پشت نمایند» (اسمیت، 1369: 220).

گزارش‌های فراوانی در مورد استعمال تریاک در نقاط مختلف ایران به دلیل بی‌اطلاعی از عوارض سموم و مهلک بودن آن وجود دارد. دالمانی در این باره می‌نویسد: اغلب ایرانیان به کشیدن این سم مهلک عادت کرده‌اند و مخصوصاً در خراسان شمار تریاکیان فوق‌العاده زیاد شده است. تریاک کشیدنی را اغلب به شکل لوله درست می‌کنند. انحطاط اخلاقی در اروپا از افراط در مشروبات الکلی تولید می‌گردد ولی در ایران به واسطه اعتیاد به کشیدن تریاک ایجاد می‌شود و آدم تریاکی ضعیف‌النفس و بی‌اراده است و در کارها عزم و همتی بروز نمی‌دهد و بسا می‌شود که خانواده خود را به فقر و پریشانی رقت‌آوری مبتلا می‌کنند و عجیب‌تر اینکه روزبه‌روز شماره تریاکیان در ایران زیادتر می‌شود (دالمانی، 1335: 95).

#### 9- افزایش واردات کالا از اروپا:

تداوم قحطی‌ها در این دوره، توأم با گسترش آفات گیاهی و بیماری‌های دامی منجر شده تا تولید داخلی کاهش یابد و بالتبع واردات به میزان چشم‌گیری افزایش یافت که از نتایج مهم آن علاوه بر ورشکستگی بازرگانان داخلی منجر به افت رکود و تنزل تولیدات کشاورزی شده بود. کنسول‌های دولت تزاری روس و دولت بریتانیا ضمن بهره بردن از اوضاع نابسامان پیامدهای آفات کشاورزی، افت تولید و حقوق برون‌مرزی نه‌تنها اتباع کشور خود، بلکه برخی از شهروندان ایرانی را که به آنها وابستگی داشتند زیر حمایت خود گرفتند. گاهی اتفاق می‌افتاد که بنا به درخواست آنها حاکمان شهرها



عوض می‌شدند. از امتیازهایی که دولت‌های اروپایی از ایران گرفتند، کشورهای اروپای باختری بیشترین بهره را از آنها بردند. در درجه اول انگلیسی‌ها به‌منظور تبدیل ایران به بازار فروش کالاهای صنعتی‌شان از سال‌های 30 سده 19 میلادی، میزان صدور پارچه‌های انگلیسی را به ایران افزایش دادند؛ این کالا تقریباً معادل 9/10 اقلام وارداتی ایران را تشکیل می‌داد. از سال 1827 تا 1834 واردات پارچه ایران 2 1/2 برابر افزایش یافت. به سال 1833 از راه طرابوزان و تبریز به مراکز مهم بازرگانی ایران، مبلغ 15 میلیون روبل و به سال 1838 تقریباً 40 میلیون روبل کالای اروپایی وارد ایران گردید (گرانوسکی و همکاران، 1389: 337). ورود کالاهای صنعتی اروپای باختری به ایران و رقابت آنها نه‌تنها روی مصنوعات و ساخته‌های وطنی اثر گذاشت، بلکه کلیه زمینه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی و فعالیت‌های کشاورزی کشور را به دگرگونی کشاند. رقابت خارجی بنیان صنایع روستایی، خانگی و دستی را از بن برکند و به نظام اقتصادی کشاورزان ایرانی که 70 درصد جمعیت جامعه ایرانی را تشکیل می‌دادند، لطمه شدیدی وارد آورد.

#### 10- تأثیر نظام استبدادی قاجار برگسترش بلایای کشاورزی

حکومت استبدادی عبارت است از حاکمیت بی‌قانونی که مبتنی است بر رابطه خدایگان-بنده و یا همان رابطه‌ی سلطان-رعیت؛ در چنین رابطه‌ای مقام شاه به‌عنوان ظلّ الهی قدسیّت می‌یابد (قاضی مرادی، 1390: 27). در حکومت استبدادی مردم حق اعتراض به ظل الهی ندارند و استبداد دست کنترل الهی بر روی مردم دانسته می‌شود از این جاست که مردم، چه فرودست و چه فرادست-در حد وزیر- از یک رویکرد زیر فرمان شاه قرار دارند. در نظام استبدادی دوره قجری شاه، وزرا، سران نظمیه و حاکمان محلی در راس قدرت قرار داشتند حکومت ایالات به فرزندان، برادران، عموها و منسوبان شاه قاجار سپرده شد (فریزر، 1366: 85). هزینه دربار محلی این شاهان کوچک از مالیات و زورستانی اهالی، تأمین می‌شد (کرزن، 1373: ج 1: 539). رقابت مأموران محلی و تداخل وظایف به آشفتگی اوضاع ایالات دامن می‌زد (مارکام، 1364: 35).

شیوه اداره ولایات و ایالات بر اساس ساختار سنتی قبیله‌ای و تیول‌داری، در بروز بلایای کشاورزی و ایجاد سیاست فضایی خفقان و ناامنی اجتماعی مؤثر بود. زیرا، در این ساختار، تأمین امنیت اجتماعی مردم هدف حکمرانان نبود بلکه امنیت شخص حاکم،

دریافت مالیات، سرکوب هرگونه شورش و اعتراض مردمی و تا حدودی برقراری امنیت مرزها مورد توجه بود. با توجه به اینکه مهم‌ترین ویژگی ساختار سیاسی قاجاریه مطلق‌گرایی قدرت بود، در این شرایط عدم حدودگذاری سنتی یا قانونی برای اعمال قدرت حاکمان از یک سو و وسعت دامنه قدرت خودسرانه آنان از سوی دیگر، دو اصل مهم بود که می‌توانست به تضعیف امنیت اجتماعی در جامعه ایران منجر شود (احمدزاده، 1393: 52).

اعتمادالسلطنه در مورد جایگاه عامه مردم در ساختار قدرت عصر ناصری می‌نویسد: سه‌شنبه 6 ذی‌الحجه 1300 ه.ق. «... من پادشاه بیست کرور رعیت ایران نیستم، بلکه پادشاه چهارصد هزار کرور شپش و دویست هزار کرور قورباغه و چندین هزار کرور گنجشک و غیره هستم،... بندگان همایون از جنس ما هستند اگر از نوع ما نیستند...!» (اعتمادالسلطنه، 1389: 259)؛ بنابراین می‌توان گفت: حکومت استبدادی، حکمرانی کردن متکی به رأی دلخواه و مهم‌ترین کیفیت آن حاکمیت بی‌قانونی است. حکومت استبدادی یعنی خودکامگی در رأس قدرت سیاسی و خودمداری مستقر در حاکمیت سیاسی است و حاکم در نظام استبدادی خودمدارترین فرد است (قاضی مرادی، 1378: 40 و 51). بنا به ساختار قدرت در جامعه روستایی سهم مالکان در محصولات کشاورزی بی‌حد و حصر بوده و صدا و اعتراض کشاورزان به جایی نمی‌رسید. به‌طور کلی، طبقه کشاورز در جامعه مکانیکی، مبتنی بر آب سالاری و نظام میرآبی در برابر مظالم و ستمگری مالکین بزرگ هیچ‌گونه مرجعی برای شکایت و دادخواهی نداشت، زیرا از مظاهر رژیم سلطنت استبدادی، زورگویی و قلدری بود و حتی نیروهای امور بلدیه و محتسبان کشور نیز حامی طبقات توانگر و مالک بودند.

فعالیت کشاورزی، پایه و اساس ثروت مملکت را تشکیل می‌داد، اخذ مالیات از منابع عمده و اصلی درآمد دولت و دربار بود. مأموران مالیاتی طبق فهرست‌های معین از هر جریب، یعنی ده هزار متر مربع، زمین مزروعی به دو روش: 1- مبلغی به نقد 2- مقداری جنس اخذ مالیات می‌نمودند. از آنجا که مؤدی مالیاتی مالک و ارباب ده یا روستایی بوده، در برابر سهمی که به دربار می‌پرداخت، هرچه دلش می‌خواست از زارع یا کشاورز می‌ستاند و این موجب پیدایش مشکلاتی از قبیل: گرسنگی، برهنگی، فقر نان، جهل و نادانی، مرگ اجتماعی، روزمرگی، زندگی خفقان‌آور، یکنواخت و مشقت‌بار در جامعه

روستایی شده که نمونه‌ای از پست‌ترین مراحل زندگی اجتماعی بوده و کوشش و تلاش برای بالا بردن سطح رفاه، معیشت و تولید محصول کشاورزی در جامعه‌ی روستایی ایران نمی‌شد و منجر بدان شد تا کشاورز برای تولید مازاد، تلاشی ننماید و فعالیت‌های کشت و زرع زارع در حد رفع نیاز داخلی‌اش انجام باشد. ابزارآلات کشاورزی در سراسر کشور یکنواخت و در مراحل ابتدایی بود. دهقان حداقل محصول را از زمین برمی‌داشت و این محصول بر طبق عوامل پنج‌گانه کشت و زرع یعنی: زمین و بذر و آب و گاو و انسان بین مالک و زارع تقسیم می‌شد و چون مالکین عمده خود را صاحب زمین و آب می‌دانستند، به‌طور مسلم حدود 40 درصد محصول به آنان تعلق می‌گرفت و این حالت فقط در مواقعی بود که زارع بذر و جفت گاو برای شخم زمین از خود داشته باشد ولی اگر بذر و گاو را هم مالک در اختیار زارع می‌گذاشت سهم زارع بسیار اندک می‌شد (شمیم، 1387: 364).

### نتیجه‌گیری

جامعه‌ی ایران در دوره قاجاریه، یک جامعه تقریباً قرون وسطایی و واجد قسمت عمده مشخصات قرون وسطی بود و تعصبات ملی و مذهبی شدید بر روح و فکر اکثریت قریب به اتفاق این جامعه حکم‌فرمایی داشت و مشتمل بر دو طبقه کلی طبقات یا طبقه حاکمه و طبقات یا طبقه محکوم بوده است: طبقه اول، که در واقع همان طبقه حاکمه را تشکیل می‌دهند، عبارت‌اند از: شاهان، شاهزادگان، حاکمان محلی، وزیران، علمای مذهبی، وکیلان، بازرگانان درجه اول، ملاکین عمده که نود و نه درصد ثروت عمومی کشور به دست آنها افتاده و تمام چرخه‌ای اداری - تجاری را به نفع خود می‌چرخاندند. طبقات دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم، در واقع، طبقه متوسط را تشکیل می‌دادند، گاهی بعضی از افراد این طبقه به فساد طبقه حاکمه آلوده گشته جزو طبقه اول می‌شدند و گاهی هم فرزندان طبقه اول ثروت‌های پدری را از دست می‌دهند و به طبقه متوسط می‌پیوستند؛ اما طبقه هفتم (کشاورزان)، یعنی همان 14 میلیون و هشتصد هزار، اکثریت رنجبر زحمتکش و مولد حقیقی ثروت، که از وسایل اولیه زندگی محروم بوده‌اند، در صحراهای سوزان خوزستان و بنادر جنوب و در زمان بلایای کشاورزی، سرما و یخبندان نواحی آذربایجان، در باتلاق‌ها و مرداب‌های گیلان و مازندران و گرگان، در

کویرهای مرکزی و شرقی، در مناطق بی‌آب و علف خراسان و بلوچستان و سیستان به معنی حقیقی جان می‌کنند تا عیش و نوش طبقه اول و زندگی بخور و نمیری برای طبقات مافوق خود تهیه کنند، با مصیبت‌ها و بلاهای متعددی روبه‌رو می‌شدند.

در این دوره جامعه روستایی یا طبقه کشاورز، اعم از ده‌نشینان و چادرنشینان، در حدود هفتاد درصد جمعیت ایران را تشکیل داده و در اکثر موقعیت‌های زمانی و مکانی با بزرگ‌ترین مسئله «بلاهای کشاورزی» روبه‌رو می‌شدند. به عبارتی در حیات اجتماعی جوامع، امنیت اجتماعی و اقتصادی از عناصر تداوم و بقای جامعه بوده و عدم امنیت علاوه بر ایجاد تشویش روحی - روانی در افراد، ثبات اجتماعی را مختل و فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی جامعه را از رونق می‌اندازد از این رو، امنیت قضایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و معیشتی در ایام بلاهای طبیعی و انسانی دارای اهمیت می‌باشد. به طور کلی هر عاملی که تعادل طبیعی گیاه و رشد و نمو محصولات کشاورزی را در عصر ناصری به هم می‌زد، در متون تاریخی و اسناد دوره ناصری تحت عنوان آفات و بلاهای کشاورزی بیان شده و مؤلفه‌های ناامنی از قبیل ناامنی اجتماعی - انتظامی، آفات گیاهی و بیماری‌های دامی، خشکسالی و قحطی، احتکار و گسترش فقر عمومی از پیامدهای شوم حوادث طبیعی یاد شده است.

نتایج پژوهش بر اساس داده‌ها، با توجه به فرضیه پژوهش حاضر نشان می‌دهد، بلاهای کشاورزی از قبیل: ملخ‌زدگی، سن گندم و کرم ابریشم با مؤلفه‌های ناامنی چون: تداوم قحطی‌ها، بسیاری از نابسامانی‌ها، قاچاق و گرانی مواد غذایی، رشد انواع فقر اجتماعی، کمبود نان، شیوع بیماری‌های وبا و طاعون، افزایش واردات کالا از اروپا، گسترش اختلافات ارضی و آبی میان روستاییان و تخلیه روستاها در اثر مهاجرت رابطه مستقیم و تأثیرگذاری داشته است.



نمودار شماره 4: پیامدهای ناگوار اجتماعی و اقتصادی ناشی از آفات و بیماری‌های دامی

## منابع

- آدمیت، فریدون و ناطق، هما. (1356). افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده‌ی دوران قاجار، تهران: آگاه.
- اسمیت، آنتونی (1369)، ماهی سفید کور در ایران، ترجمه‌ی محمود نبی‌زاده، تهران: نشر گستره.
- گرانوسکی، ا. آ و همکاران (1389)، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی. تهران: مروارید.
- احمدزاده، محمد امیر، بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجاری، فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی - سال اول - شماره 1 - تابستان 1393، صص 45-73.
- اسدی اول، مرضیه، غفرانی، علی و عبدالرحیم قنوت، حوادث و بلایای طبیعی ایالت جبال از ظهور اسلام تا حمله مغول، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان 1396، صص 1-23.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (1389)، روزنامه خاطرات، با مقدمه و تصحیح، ایرج افشار، تهران، نشر امیرکبیر.
- ..... (1294 ق)، مرآت البلدان، ج 1، تهران: مطبعه دارالطباعة دولتی.
- ..... (1347)، تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، سه جلدی، تهران: نشر دنیای کتاب.
- ..... (1374)، چهل سال تاریخ ایران، به تصحیح ایرج افشار، تهران: نشر اساطیر.
- الفتی، هادی (1374)، تاریخ کشاورزی و دامپروری در ایران، تهران: نشر امیرکبیر.
- بلوشر، ویپرت (1360)، سفرنامه‌ی بلوشر، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- بیک ارباب، محمدتقی (1353)، تاریخ دارالایمان قم، تهران: فرهنگ.
- تاجبخش، احمد (1362)، سیاست‌های استعماری روسیه تزاری، انگلستان و فرانسه در ایران (در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی)، ج 1، تهران، اقبال.
- جابری انصاری (1321)، تاریخ اصفهان و ری، تهران: بی‌جا.
- رابینو، یاست لویی (1350)، ولایات دارالمرز ایران گیلان، ترجمه جعفر خمami زاده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- جعفریان، محمود رضا، یوسفی فر، شهرام و شعبانی، رضا، بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار بر اساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال 7، ش 2، صص 25-51.
- جمالزاده، محمدعلی (1362)، گنج شایگان، ج 1، تهران: کتاب تهران.
- حکیم الممالک، علینقی (1356)، روزنامه سفر خراسان، تهران: نشر فرهنگ ایران زمین.
- دالمانی، هانری رنه (1335)، سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری، ترجمه‌ی علی محمد فره‌وشی، ج 2، تهران: چاپ گیلان.
- دهخدا، علی اکبر (1373)، لغت‌نامه، چهارده جلدی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- رجبی، غلامرضا (1379)، اکولوژی سن‌های زبان‌آور گندم و جو در ایران، سازمان تحقیقات - آموزش و ترویج کشاورزی، چاپ اول.
- رحمانیان، داریوش و مهدی میرکیایی، تأثیر گرانی و قحطی نان بر روابط خارجی ایران در عصر ناصری، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال 53، دوره جدید، سال نهم، بهار 1396، صص 127-142.
- رحمانیان، داریوش و میرکیایی، مهدی، تأثیر بلوهای نان بر روابط حکومت و مردم در عصر ناصری، مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان 1392، صص 65-97.
- روزنامه وقایع اتفاقیه (1375)، با مقدمه اسماعیل رضوانی و جمشید کیانفر، تهران: ساکما.
- ساکما، (سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران).
- سیف، احمد (1373)، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران: چشمه.
- شهیدی، حسین (1383)، سرگذشت تهران، جلد 1، تهران: نشر راه مانا.
- عبدالهی، غلام عباس (1383)، رهیافتی تحلیلی بر مدیریت سن گندم، نشر آزمون کشاورزی.
- عیسوی چارلز (1369)، تاریخ اقتصادی ایران و در عصر قاجار (از 1800 تا 1914 م)، برگردان، یعقوب آژند، ج 3، تهران: گسترده.
- کتابی، احمد (1390)، درآمدی بر بررسی علل اجتماعی قحطی‌ها در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- کرزن، جرج (1373)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی فرهنگی.
- کردوانی، پرویزی (1380)، خشکسالی و راه‌های مقابله با آن در ایران، تهران: دانشگاه تهران.

- مارکام، کلمنت (1364)، تاریخ ایران در دوره قاجار، ترجمه میرزا رحیم فرزانه، تهران: آسمان.
- فریزر، جیمز (1366)، سفرنامه فریزر، ترجمه منوچهر امیری، تهران: توس.
- فوران، جان (1390)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- قاضی مرادی، حسن (1390)، استبداد در ایران، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آمه.
- ..... (1378)، در پیرامون خودمداری ایرانیان، چاپ پنجم، تهران: نشر اختران.
- مجله فلاح و تجارت، 1298، ق، 2، ش 10.
- مستوفی، عبدالله (1384)، شرح زندگانی من، تهران: نشر زوار.
- ناطق، هما (1358)، مصیبت وبا و بلای حکومت، تهران: نشر گستره.
- واتسون، رابرت گرت، (1368)، تاریخ ایران دوره قاجاریه، ترجمه: وحید مازندرانی، تهران: سیمرغ.
- وقایع اتفاقیه (1363)، گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال 1292 تا 1322 قمری، به کوشش سعید جرجانی، تهران، نوین.
- Smith, E., "The Perso- Afghan mission, 1871-72", Eastern Persia, an account of the journeys of the Persian Boundary Commission, Vol. 1, 1870-71-72, London, 1876.